

بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

محمد رضا شریف زاده^۱

زهرا تقدس نژاد^۲

چکیده

داستان لیلی و مجنون از مشهورترین آثار ادبی است که مورد توجه جمیع هنرها قرار گرفته و آثار آنان را غنا بخشیده است. از میان این هنرمندان نگارگران به خاطر همبستگی ادبیات با نگارگری، روند ساختن نسخه‌های مصور که همانا انتقال اندیشه سخنور بود رونق یافت. در میان ادبیات شاهنامه و خمسه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اعمال نفوذ نقاشان عهد صفوی در کارگاه‌های سلطنتی و تاثیر هنر نگارگری بر سایر رشته‌های هنری از جمله پارچه بافی، می‌توان تاثیرات ادبیات را در نقوش این بافته‌ها نیز یافت. هدف اصلی این مقاله شناسایی و خوانش نقاط اشتراک ادبیات با نگاره و نقوش این داستان بر روی پارچه دوره صفوی و شناسایی ارتباط نگارگر با طراحان پارچه این دوره است. از یافته‌های این مقاله چنین مشخص می‌گردد که مضامین ادبیات غنایی در نقش پارچه و نگاره‌ها تبلور می‌یابد، چرا که این داستان‌ها مشترکات فرهنگی بوده‌اند و با تطبیق محتوایی شعر نظامی در نگارگری و بافندگی در این دوره نگارگران طراح پارچه نیز بوده‌اند.

اهداف پژوهش

- ۱) شناسایی و خوانش نقاط اشتراک ادبیات با نگاره و نقوش این داستان بر روی پارچه دوره صفوی است.
- ۲) شناسایی ارتباط نگارگر با طراحان پارچه دوره صفوی است.

سوالات پژوهش

- ۱) میان نگارگران و طراحان زبردست منسوجات چه ارتباط موجود است؟

Email: moh.sharifazade@iauctb.ac.ir

Email: z.taghadossnezhad@richt.ir.ztaghadoss@yahoo.com

^۱ . نویسنده مسئول. دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

^۲ . کارشناس پژوهشکده هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

۲) طراح پارچه و نگارگر تا چه حد به ادبیات وفادرا بوده است؟

واژگان کلیدی: ادبیات، لیلی و مجنون، نگاره، نقش پارچه، بینامتنیت

مقدمه

در تمام اعصار، هنر در اختیار ادبیات قرار می‌گیرد و به گونه‌ای وامدار ادبیات است، چرا که ریشه اصلی تمدن و فرهنگ با ادبیات محکم و استوار و با هنر به زیباترین شیوه ممکن بیان می‌شود؛ بنابراین ادبیات از هنر قابل تفکیک نیست. مهم‌ترین و پرکاربردترین نظریه برای خوانش یک متن یا اثر هنری بینامتنیت است. خوانشی که متن‌های پیشین در خلق آثار جدید می‌گذارند را مورد توجه قرار می‌دهد. به اعتقاد کریستوا، هیچ متنی مستقل از سایر متن‌ها نیست و با ارجاع به متون دیگر شکل می‌گیرد. بر این اساس بینامتنیت به بررسی نحوه حضور یک متن در متن دیگر می‌پردازد. نظامی را بی شک باید در شمار استادان مسلم زبان و شعر فارسی دانست. اگر چه داستان سرایی در زبان فارسی به وسیله او شروع نشد، لیکن نظامی آن را به حد اعلائی کمال رسانید. در مقاله حاضر به تحلیل داستان مجنون در میان ددان در منظومه و تاثیرش در نگارگری و طرح پارچه مضبوط به طور تطبیقی پرداخته شده و سعی گردید تشابهات و تفاوت‌های موجود مورد بررسی قرار گیرد. پرسش این مقاله آن است که «میان نگارگران و طراحان زبردست منسوجات چه ارتباط موجود است؟» با توجه به اعمال نفوذ نقاشان عهد صفوی در کارگاه‌های سلطنتی و تاثیر هنر نگارگری بر سایر رشته‌های هنری و با نگاهی اجمالی به آثار هنرمندان نقاش و مقایسه کلی آن با پارچه‌های این دوره، می‌توان رد پای سبک آنان بر پارچه‌ها را دنبال نمود. تا جایی که بسیاری از نقاشان، خود طراح پارچه بوده‌اند یا با همکاری بافندگان به طراحی و نقش پردازی پارچه‌ها می‌پرداختند. بنابر این تاثیرات سبک کار نقاشان مطرح صفوی و همچنین مکاتب نقاشی صفوی به ویژه مکتب تبریز در پارچه مورد نظر دیده می‌شود.

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه اسنادی و مشاهده آثار می‌باشد. در آغاز نمونه پارچه طراحی شده توسط غیاث الدین نقش بند که از طراحان به نام صفوی با نمونه نگارگری همین دوره شده است. سپس با مراجعه به داستان مجنون در میان وحوش و سباع، هماهنگی بین متن و نقش بررسی گردیده، تا بتوان بر اساس نظریه بینامتنیت خوانشی از نگاره و طرح پارچه بر اساس داستان مجنون در میان ددان انجام پذیرد تا مشخص گردد طراح و نگارگر چقدر به متن وفا دار بوده‌اند. همچنین با تطبیق دو اثر مشخص می‌شود نگارگر و طراح پارچه ارتباط تنگاتنگی با هم داشته‌اند.

تاکنون پژوهشگران، محققان بسیاری به آثار نظامی به خصوص منظومه «لیلی و مجنون» پرداخته‌اند و آن‌ها را از حیث محتوا، نقش، طرح و ... بررسی کرده‌اند. از این رو مقالات، رسالات و کتاب‌هایی که به نوعی جنبه تحقیقاتی داشته‌اند به عنوان پیشینه تحقیق مقاله حاضر معرفی می‌گردد. کراچوسکی (۱۳۹۱) در کتاب «لیلی و مجنون (پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان)» ترجمه کامل احمد نژاد تحقیقی درباره ریشه‌های تاریخی داستان لیلی و

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

مجنون انجام داده، و از آنجا که این داستان در ادب فارسی انعکاس وسیعی داشته و منظومه‌های متعددی بر اساس آن به وجود آمده است. حدیدی (۱۳۹۲) در کتاب "مجنون لیلی از دیدگاه روایات" به بررسی داستان عاشقانه لیلی و مجنون که بر اثر مخالفت خانواده لیلی به یأس و حرمان مجنون تبدیل شده پرداخته است. ثروتیان (۱۳۹۷) در مقاله "عنوان راز عشق لیلی و مجنون در مثنوی لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای" چنین گفته است: سر انجام دده نفس هر دو مرده و عشق حقیقی - نه مجازی - رنگ الهی به خود گرفته و سرانجام در آخرین و نخستین دیدار، لیلی از مجنون دستگیری کرده و آن ملک با نور ایزدی در دل مجنون جای گرفته و مجنون به بینایی و بصیرت عارفانه رسیده است. مرثی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل کاربرد رنگ آبی در تصویر سازی شخصیت "مجنون" در نگارگری ایرانی دوره‌های تیموری و صفوی» در مجله نگره چنین نتیجه گرفته است که استفاده از این رنگ نتیجه آموزه‌های صوفیانه و در جهت معرفی مجنون به عنوان سالک طریق عرفان و عشق الهی بوده و کارکرد نمادین داشته است. ایزانلو (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد "بررسی و مقایسه صبغه‌های فرهنگی و اقلیم در دو منظومه ویس و رامین و لیلی و مجنون" به بررسی اقلیم و فرهنگ و تاثیر این دو مقوله بر داستان عاشقانه ویس و رامین و لیلی و مجنون پرداخته است. با توجه به پیشینه، لازم به ذکر است که در این مقاله با بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه می‌توان به نقاط اشتراک بین سه متن و ارتباط بینامتنیتی آن‌ها پی‌برد.

داستان‌های عاشقانه

داستان‌های عاشقانه در ابتدا شرحی بود از حالات روحی و نفسانی عشاقی زمینی، اما با گسترش تفکرات عرفانی و ژرف این قبیل اشعار محملی شد برای بیان اندیشه‌هایی به مراتب والاتر، که در آن‌ها این قبیل روایات به منزله پوسته‌ای است که باید از آن عبور کرد و لب مطلب را دریافت. جلال عالم، نشانه‌ای از خداوند است، و جلال تجلی قبض و آشکار کننده محدودیت موجود در پدیده‌هاست و عالم تنها نشانه‌ای است از یک حقیقت برتر. جمال و جلال الهی، تحت عناوین «عاشق و معشوق»، موضوع بسیاری از داستان‌های عشقی عرفاست. اسماء و صفات الهی، اغلب به صورت سیمای یک یا دو نفر توصیف می‌شود» (اتحاد، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

داستان لیلی و مجنون از همان روزگار نخست در بین ساکنان ایران زمین زباند شعرا و ادیبان بوده و از ابتدا مورد توجه شاعران عارف نیز بوده است. در قرن سوم هجری، ابن قتیبه دینوری در کتاب الشعر و الشعراء فصلی راجع به قیس عامری و حکایات منسوب به او وارد ساخت و به اختصار از احوال و اشعار او نقل کرد. سپس در اوایل قرن چهارم محقق معروف ابوالفهرج اصفهانی آن اخبار را به تفصیل تمام جمع آورد و در کتاب نفیس الاغانی جای داد (مرثی، ۱۳۹۵: ۵۱).

مثنوی لیلی و مجنون، افسانه‌ای عاشقانه از قوم عرب است و نظامی گنجه‌ای آن را بهانه‌ای ساخته است تا حیرت‌انگیزترین باور دینی و درونی خویش را به زبان رمز بیان کند. در این داستان پسر و دختری نابالغ به همدیگر مهر

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

می‌ورزند و به زور از هم دور نگه داشته می‌شوند، عشقی جان سوز در دل هر دو کودک شعله‌ور می‌گردد و سرانجام آن دختر، دوشیزه می‌ماند و به ذکر دل زندگی می‌گذراند تا فرّه ایزدی و نور الهی از دل وی تابیدن می‌گیرد و او را به مقام والای معنوی می‌رساند و چو در میانه این دو عاشق و معشوق از هوس‌های و غریزه‌های خاکی چیزی نبوده و دده نفس هر دو مرده است عشق حقیقی - نه مجازی - رنگ الهی به خود گرفته و سرانجام در آخرین و نخستین دیدار، لیلی از مجنون دستگیری کرده و آن ملک یا نور ایزدی در دل مجنون جای گرفته و مجنون به بینایی و بصیرت عارفانه رسیده است: آیین دگر گرفته کارش / آئینه خویش داده یارش (ثروتیان، ۱۳۷۹: ۱۲ و ۱۳).

مجنون که از عشق بی‌قرار بود و در صحرا با وحشیان انس گرفته بود از شوریدگی خور و خواب و آرام نداشت. از قضا نوفل نام بزرگان عرب که قصد شکار از آن جانب می‌گذشت چون وی را بدان حال دید دلش بر وی بسوخت او را بناخت با خود به خانه برد وعده داد که هرگونه هست، به صلح یا جنگ، او را به وصال معشوق برساند. اما با درخواست صلح آمیز این وعده او تحقق نیافت و در طی دو جنگ خونین هم که با قبیله لیلی کرد الزام آن‌ها به قبول این وصلت ممکن نشد. مجنون هم با ناخرسندی نوفل را ترک کرد و دوباره سر به بیابان نهاد. درین نوبت بود که یک بار چند آهو را از صیاد صحرا گرد باز خرید و بار دیگر گوزنی را که در دام و رسن گرفتار بود از صیاد باز خرید و آزاد کرد. با زاغ عزلت گرفته‌یی هم که یکجا در بیابان بر شاخ درختی نشسته بود، یک بار درد دل و خطابی عاشقانه کرد (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۱۹ و ۱۲۰).

هنر نگارگری و منسوجات در دوره صفوی

صفویان به عنوان یک فرمانروایی متمرکز پس از چندین سده توانستند تمام ایران را زیر پوشش یک حکومت واحد قرار دهند و ایرانی یکپارچه بوجود آورند. به همین علت عصر مذکور یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ هنر به شمار می‌آید و این امر مرهون تدبیر حاکمان و نقش علمای این دوره می‌باشد. صفویان فرهنگ، هنر و ادبیات پارسی را گسترش دادند. به دلیل هنر دوستی پادشاهان صفوی و ارج و منزلتی که فرمانروایان این سلسله برای هنرمندان قائل بودند هنرمندان از هر صنف و طبقه‌ای در کارگاه‌های حکومتی گرد آمدند تا آثار ارزنده‌ای را به وجود آورند.

با انتخاب تبریز به پایتختی و تاجگذاری شاه اسماعیل در آن، نگارگران بسیاری از سراسر ایران در کارگاه‌های کتابخانه سلطنتی این شهر گرد آمدند که از آن جمله می‌توان قاسم علی، شیخ زاده، آقامیرک و کمال الدین بهزاد از هرات، خواجه عبدالعزیز احتمالاً از اصفهان، عده‌ای از نگارگران شیراز و... را برشمرد. این هنرمندان شیوه‌ای را در نگارگری ایرانی بنیان نهادند که به نام پایتخت آن زمان، به «مکتب نگارگری تبریز» مشهور شد که محققان به دلیل اشتباه نشدن با مکتب نگارگری تبریز مغول، آن را مکتب تبریز ۲ می‌نامند. شاخص‌ترین نگارگر این مکتب «سلطان محمد نقاش» بود، البته بنیاد اصلی این شیوه بر دوش کمال الدین بهزاد و شاگردانش استوار شد، و بهزاد در سال ۹۲۸ ه. ق. به ریاست کتابخانه رسید (شریف زاده، ۱۳۷۵: ۱۳۰-۱۲۹).

دومین مکتب تبریز در عصر صفویان پدید آمد (نیمه نخست سده ۱۰ هـ. ق). در واقع، پس از انتقال کمال الدین بهزاد و شاگردانش از هرات به تبریز، و پرورش نسلی تازه از هنرمندان، مکتبی جدید با پشتوانه پیشرفته‌ترین دستاورد کارگاه‌های درباری تیموریان و ترکمانان شکل گرفت... مهم‌ترین مشخصات نگارگری مکتب [دوم] تبریز عبارت‌اند از: فضا سازی چند ساحتی؛ رنگ‌بندی موزون با رنگ‌های متنوع و درخشان؛ عدم تمرکز ترکیب‌بندی بر شخصیت اصلی داستان؛ نمایش همزمان رویدادهای اصلی و فرعی؛ توجه به واقعیت و برقراری ارتباط میان آدم‌ها و اشیاء و محیط؛ حضور پیکرهای آراسته با کلاه و عمامه قزلباش است (پاکباز، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

نگارگری و شاعری از دیرباز در پیوند با فرهنگ و هنر ایران زمین بوده است. شاعران ایرانی دست کم از سده دوازدهم میلادی (سده‌های ۶ و ۷ هـ. ق) با الهام از صور خیال می‌سروده‌اند و نگارگران ایرانی از اواخر سده سیزده تا اوایل دوران معاصر آثاری خلق کردند که جوهر، حال و هوا و معنای شاعرانه را در بیننده بر می‌انگیخت. سفارش نسخه‌های نفیس و زیبا از اشعار کلاسیک از سوی دربار، حکام و شاهزادگان سلسله‌های حاکم بر ایران، طی سده‌ها موجب استحکام پیوند بین هنرهای ادبی و بصری شد. ذوق ادبی از سویی و حمایت از هنرهای دوگانه شامل ادبیات (از جمله شعر) و کتاب (از جمله تذهیب، نگارگری و صحافی) از دیگر سو، به خلق شاهکارهایی جاودان در فرهنگ ایرانی انجامید (سیمپسون، ۱۳۸۰: ۱۳).

طبیعتاً اشتیاق شدید ایرانیان به شعر و شاعری، اشعار و دواوین شعرای آن‌ها را دست مایه‌ای پرمایه برای نگارگران ساخته تا نهایت هنر و مهارت خود را در آن‌ها به نمایش درآوردند (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۵۸).

عشق به جمال و زیبایی چنان در نگارگری ایران جلوه‌گر است که می‌باید الهام‌ها و تأثیرات تالی و همانندش را نیز در ادبیاتی جست که با کلام آن‌را بیان کرده است (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

یکی از مهم‌ترین و مشهورترین شاعران ایرانی که به زبان فارسی اشعاری شیوا سروده و الحق تمامی فضا سازی را به بهترین نحو و جزء به جزء وصف نموده نظامی گنجوی (قرن ۶ هـ. ق) است.

او نیز همچون پیشینیان بزرگ خویش، موضوع دوتا از پنج مثنوی خمسه خود را داستان شاهان ساسانی قرارداد — هفت پیکر که قهرمان آن بهرام گور شاه ساسانی است؛ و خسرو شیرین که ماجراهای شاه دیگر ساسانی، خسرو پرویز و معشوقش شیرین شاهزاده خانم زیبای ارمنی را باز می‌نماید. ولی ادب و عادت صاف و متقیانه نظامی که او را از هر چه دربار شاهی بود پس می‌راند، در پرهیز از یادآوری خونریزی‌ها و سخت کشی‌ها منعکس شد و حتی در حماسه اسکندر خویش، برای او ماجراهای این قهرمان، جذابتر از جنگ‌هایش بود و در دو مثنوی دیگرش یعنی مخزن الاسرار که دل‌بستگی خویشتن را با نوعی تفسیر عرفانی سرگرم ساخته و مفهوم عشق آن‌ها به صحنه‌ها و مجالس باغ و درختان شکوفان، دل‌بستگی‌شان به عشق پریشان و آشفته و هم حسی‌شان با عرفا و ریاضت‌کشان، همه به نوعی و با اشکال متنوعی از زیبایی و جذابیت خارق العاده بیان گردید (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

در عصر صفوی تقاضای داخلی برای تهیه منسوجات افزایش یافت، البسه گران بها و عمارات آراسته با پرده‌های زیبا تحسین سیاحانی را که از دربار ایران بازدید می‌کردند برانگیخت و در اروپای عصر رنسانس و روسیه تمایلی نسبت به اشیای تجملی ایران پیدا شد. استفاده ماهرانه‌ای از بافت‌های پیچیده، ترکیب رنگ‌های درخشان در طرح‌های رنگارنگ، و نوآوری ظاهراً پایان ناپذیر در استفاده از نقش‌های اسلیمی و گلدار برای تزیین، ایرانیان را قادر ساخت منسوجاتی تولید کنند که از غنا و تنوع منحصر به فردی برخوردار بود (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۳۶). تشویق و حمایت شاه عباس از هنر بافندگی باعث گردید که هنرمندان بزرگی در این رشته بوجود آیند و بافت پارچه‌های زری و مخمل را تا حد هنر نقاشی و دیگر هنرها بالا ببرند. بنابراین این عجیب نیست که مخمل و زری‌های زمان شاه عباس عالی‌ترین و زیباترین پارچه‌هایی است که تاکنون در ایران بافته شده است (ذکاء، ۱۳۴۱: ۷).

پیش از ادامه بحث، ذکر یک نکته ضروری است و آن، این است که ادبیات همواره نقش اصلی و بارزی در تأمین و تغذیه هنرهای دیگر به عهده داشته و دارد. از این رو بدون بررسی‌های ادبی در خصوص یک موضوع، نمی‌توان به دیگر جنبه‌های آن پرداخت. بنابر این با تکیه بر مطالب ادبی که بیشتر بیان گردید. اینک می‌توانیم وارد حوزه هنر نقش پردازی این عصر در هنرهای گوناگون شویم.

تحلیل پارچه مجنون در میان ددان مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲

در تصویر شماره (۱) مجنون در میان حیوانات بیتوته کرده و لیلی نشسته در کژاوهای بر پشت شتر، عبور می‌کند. پویایی و سکون جانوران منقوش در صحنه می‌تواند هم توصیفی از طبیعت اطراف مجنون باشد و هم نمادی از آرامش حاصل از عشق، در قلب مجنون. شخص سومی میان لیلی و مجنون قرار دارد که افسار شتر حمل‌کننده کژاوه لیلی را در دست گرفته و برای ترساندن شتر، چوبی را به حالت تهدید بالای سر برده است. نمی‌توان مطمئن بود، اما شاید منظور از این شخص، ابن‌السلام باشد؛ مردی که با لیلی ازدواج کرد. در این تصویر، بازی‌های حرکتی جانوران حاضر، نظیر به پس نگرستن گوزن، غنودن شیر در آن فضای گیاهی، نوعی درهم تنیدگی سیال را ایجاد می‌نماید تناسب کمتری میان نقوش جانوری برقرار است. تیز و باریک بودن اغلب نقوش گیاهی زمینه، توانسته حرکات پیکره‌های جانوری را دربر گرفته و به آن‌ها روحی سرشار از شادابی و تحرک ببخشد. به نظر می‌رسد نگاه لیلی و مجنون در این طرح به یکدیگر دوخته شده است. رقم غیاث در بخش تحتانی کژاوه لیلی، درشتی و جلوه‌ای خاص دارد.



مضبوط در موزه بوستون به
اساس نظریه بینامتنیت

عنوان مقاله: بر

تصویر (۱) پارچه با نقش داستانی، اثر غیاث‌الدین نقش‌بند. (Museum of fine Arts Boston.1392/11/21)

خوانش نگاره مجنون در میان ددان خمسه نظامی

در تصویر شماره (۲) مجنون در میان حیوانات بیتوته کرده است. در این نگاره، تناسبی بسیار عالی میان رنگ زمینه و رنگ اغلب نقوش برقرار است. تلفیق جویبار پر پیچ و خم، گل‌های شاداب آرایش چشم نواز پرندگان و ددان با بهره‌گیری از رنگ‌های روشن، ترکیب بندی درخشان و بدیعی پدید آورده است. در بخشی از تصویر بزکوهی پاورچین از شیب صخره پایین می‌آید و شیر و ببر با نزاکتی دور از انتظار برای همدیگر غرش می‌کنند. در میانه متمایل به راست مجنون نشسته و غزالی جلوی پایش آرمیده و دهانش را به دست مجنون نزدیک کرده است. نکته مهم اینجاست که این نگاره از لیلی خبری نیست. این نگاره را به آقامیرک منسوب می‌دانند.

جلال‌الدین میرک الحسینی اصفهانی مشهور به آقا میرک از سادات کثیر الاحترام اصفهان و در تبریز به دربار شاه طهماسب اول مقام والائی داشت. از شاگردان پر استعداد استاد اجل بهزاد بود و با همکاری استادانی چون سلطان محمد و سایر نقاشان نامی آندوره در کتابخانه شاه تهماسبی به خلق آثار جاویدان همت می‌گماشت (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۳۲).



نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به
ت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داست

تصویر (۲)- مجنون در میان ددان، منسوب به آقا میرک، (کریولش، ۱۳۸۴، ۸۷)

خوانش بینامتنی شعر، نگاره و پارچه مجنون در میان ددان و سباع

بینامتنیت برآن مبنا است که معنای یک متن، با ارجاع به مجموعه‌ای از دیگر متون که با آن در ارتباط هستند دریافت می‌شود. بر اساس این نظریه، انتقال معنا از یک متن به مخاطب آن، به طور بی‌واسطه محقق نمی‌شود، بلکه در این میان، کد گشایی از رمزگان‌های مشخصی که بازگشت آن‌ها به دیگر متون مرتبط با متن اصلی است، باعث کشف معنا توسط مخاطب متن خواهد بود (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۱۱۴)

در متن مجنون در سوگ پدر چنان گریست و روی بر خاک مالید تا تربت پدرش خیس خیس شد. او همچنان مرثیه می‌خواند و از پدرش پوزش می‌طلبید. از آن پس، بیش از پیش آواره کوه و بیابان شد و بیشتر با وحوش مأنوس گشت. کم‌کم کار به جایی رسید که عادات انسانی را فراموش کرد. حتی حسد و کینه که از جمله هواهای خاص آدمیزاد است، در وجود او ناپدید شد. از ریشه گیاهان و سبزی‌ها می‌خورد و روزگار می‌گذرانید و رفته رفته همه حیوانات شیفته و رام او شدند (شیخی، ۱۳۷۴: ۱۶۳).

در خوانش مطابقه دو اثر با شعر، شاهد اشتراکات و افتراقات فراوانی هستیم ابتدا به اشتراکات میان شعر و نگاره و نقش پارچه می‌پردازیم.

اشتراکات (=مشابهت‌ها)

نظامی در رابطه با انس مجنون با وحوش و سباع چنین سروده است:

صاحب خبر فسانه پرداز
زین قصه خبر چنین کند باز
کان دشت بساط کوه بالین
ریحان سراچه سفالین
از سوک پدر چو باز پرداخت
آواره به کوه و دشت می تاخت

...

وحشی شده و رسن گسسته
وز طعنه و خوی خلق رسته
خو کرده چو وحشیان صحرا
با بیخ نبات های خضرا
نه خوی دد و نه حیطة دام
با دام و ددش هماره آرام

آورده به حفظ دور باشی
از شیر و گوزن خواجه تاشی (نظامی، ۱۳۹۱: ۵۴۴ و ۵۴۵)

در این ابیات نظامی به زیبایی درباره زندگانی مجنون با وحشیان صحرا به صورتی پنهانی اشاره می کند که من این افسانه را ساخته ام، یعنی این حدیث افسانه است و لیکن اشاره می کند که خود وی صاحب خبر است یعنی آگاهی و بینایی عارفانه دارد. (ثروتیان، ۱۳۸۵، ۸۰)

هر وحش که بود در بیابان
در خدمت او شده شتابان

از شیر و گوزن و گرگ و روباه
لشگرگاهی کشیده بر راه (نظامی، ۱۳۹۱: ۵۴۵)

شیر و گرگ و روباه و پلنگ و گوزن و آهو و سگ و خرگوش مانند لشگری گرد مجنون جمع شده اند.

ایشان همه گشته بنده فرمان
او بر همه شاه، چون سلیمان

شاهیش به غایتی رسیده
کز خوی ددان ددی بریده

افتاده ز میش گرگ را زور
برداشته شیر پنجه از گور (نظامی، ۱۳۹۱: ۵۴۵)

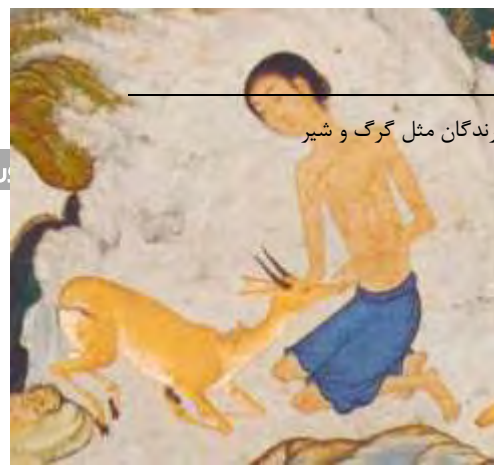
از بیم این جانوران کسی جرأت نزدیک شدن به او را نداشت. فقط وقتی می خواست کسی را بپذیرد مانند پادشاهان افسانه ها کف بر هم میزد و تمام این وحوش به خاک می افتادند (مویبد، ۱۳۷۱: ۵۳۵ و ۵۳۶).

او با چنان قدرتی بر آنان حکومت می کرد که از همت او، وحوش خوی درندگی رها کرده گرگ و میش در کنار هم زندگی می کردند. شیر با گورخر کاری نداشت و سگ یا خرگوش دوست بود (شیخی، ۱۳۷۴: ۱۶۴)

مجنون از میان همه حیواناتی که گرداگردش بود، آهوان را بیشتر دوست می داشت و از میان همه آهوان، به یک آهوی چالاک بیشتر محبت می کرد. هر روز او را کنار خود می خواند و دست نوازش بر سرش می کشید.



بوستون به
بینامتنیت



درندگان مثل گرگ و شیر^۳

ن در میان ددان خسته

تصویر(۴). آهو در کنار مجنون در نگاره (نگارنده، ۱۳۹۶) تصویر(۳). آهو در کنار مجنون در طرح پارچه(نگارنده، ۱۳۹۶)

همان طور که لیلی منظری از زیبایی‌های خداوندی بود، آهو نیز منظری از زیبایی‌های لیلی بود. آوازه حکومت مجنون بر حیوانات، در میان تمام اقوام عرب پیچید و همه را به تعجب واداشت(شیخی، ۱۳۷۴: ۱۶۵)

جدول شماره ۱ - شباهت‌های پارچه و نگاره (نگارنده، ۱۳۹۶)

شبهات ها	مجنون در میان حیوانات، آقامیرک	تحلیل پارچه لیلی و مجنون(مجنون در میان حیوانات) موجود در موزه بوستون	ردیف
ماجرای مجنون در میان حیوانات			

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

در هر دو غزالی در کنار مجنون دیده می‌شود			
حالت هر دو یوزپلنگ یکی است			
هر دو ببر در پشت سنگ هستند			
هر دو دارای نقش شیر هستند			
هر دو گوزن گردن خود را چرخانده‌اند			

مجنون بسیاری از شب‌ها زیر آسمان صاف و پر ستاره صحرا، در دامنه وادی‌ها و یا کنار نخلستان‌ها می‌نشست و در هوای عنبرین شب با ماه درد و دل می‌کرد، به خوشه پروین می‌نگریست که چون بیرقی از حریر زرد و کبود بر ملیله‌ای زرین خود نمایی می‌کرد. گاهی خطاب به زهره می‌گفت:

ای زهره روشن شب افروز ای طالع دولت از تو پیروز

لطفی کن از آن لطف که داری بگشای در امیدواری

ز آن یار که او دواى جان است بویی برسان که وقت آن است (نظامی، ۱۳۹۱: ۵۵۱ و ۵۵۲)

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

ای ستارهٔ سعد، ای مظهر عشق و شعر و موسیقی، ای چراغ راه سرود گویان، ای نگهبان نوازندگان و خوانندگان، می‌گویند که تو ستارهٔ خوشبختی و سعادتت. اگر چنین است، روزنهٔ امیدی به روی من باز کن و بوی یارم را به مشامم برسان» مجنون همیشه می‌دید که این ستارگان وقتی به اوج می‌رسند، از اوج نیز فرود می‌آیند و رو به افول می‌گذارند. از مشاهدهٔ این‌ها فهمیده بود که در این دنیا، همه چیز فناپذیر است جز یکی، و هموست که چاره ساز است... مجنون همان طور که به درگاه خدا نیش می‌کرد، به خواب رفت. در خواب دید که مرغی از شاخسار با بی‌پروایی به جانب او پرواز کرد و چون درست بالای سر او رسید، منقار بگشاد و گوهری را از دهان بر سر او انداخت. چون از خواب بیدار شد، صبح دمیده بود. مدت‌ها بود که مجنون خود را شاد ندیده بود. نیروی مرموزی در وجود خود حس می‌کرد. فهمید که دعایش به درگاه خداوند مستجاب شده و خوابش تعبیر خواهد شد. از پهلوی راست چشم گشود. او حتی این را نیز به فال نیک گرفت. آن روز به نظرش روشنتر از روزهای گذشته بود. برخاست و به جانب کوه رفت (شیخی، ۱۳۷۴: ۱۶۶ و ۱۶۷) مجنون در حالی که حیوانات گرداگردش بودند، بر دامنهٔ کوه نشست و به دور دست‌ها چشم دوخته بود. (شیخی، ۱۳۷۴: ۱۷۰)

با توجه به نگاره مجنون در میان حیوانات خمسه طهماسبی، گویا آقامیرک به این بخش شعر نظامی توجه کرده است. بر همین اساس افتراقاتی میان نگاره و نقش پارچه وجود دارد که می‌توانیم اختلافات میانشان را در جدول شماره ۲ مشخص نمود.



جدول شماره ۲ - افتراقات پارچه و نگاره (نگارنده، ۱۳۹۶)

افتراقات	مجنون در میان حیوانات، آقامیرک	تحلیل پارچه لیلی و مجنون (مجنون در میان حیوانات) موجود در موزه بوستون	ردیف
----------	--------------------------------	---	------

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگارهٔ پارچهٔ مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

<p>ماجرای مجنون در میان حیوانات</p>			
<p>در طرح پارچه لیلی نیز سوار بر کجاوه هست که در نگاره نیست.</p>	<p>_____</p>		
<p>در طرح پارچه شخصی افسار شترکجاوه لیلی را در دست دارد.</p>	<p>_____</p>		
<p>در نگاره مجنون در محیطی نیمه کوهستانی نشسته. اما در نقش پارچه مجنون دشت مانند نشسته.</p>		<p>_____</p>	

نتیجه گیری

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

در تحلیل و خوانش نگاره و پارچه منتخب از روش بینامتنیت به منظور فهم نشانه‌های آشکار و پنهان شباهت و افتراق میان سه متن مورد نظر چنین بر می‌آید که ادبیات بخش مهمی از فرهنگ و تمدن یک سرزمین را تشکیل می‌دهد. از آن جا که ادبیات و نگارگری پیوندی درونی و همخوانی ذاتی با یکدیگر دارند. از خمسه نگاری بعد از شاهنامه نگاری به عنوان پر اقبال‌ترین کتاب مورد توجه هنرمندان می‌توان نام برد. با توجه به این که صفویان در زمینه هنرپروری گامی بلند برداشتند، احداث کتابخانه و کارگاه‌های سلطنتی باعث گردید هنرمندان به نام از سراسر کشور گرد آمدند. وجود کاتبان، شاعران، نگارگران، طراحان، نساجان، مذهبیان و جدول کشان و دیگر هنرمندان زمینه ساز خلق آثار ارزنده‌ای گردید.

با توجه به جدول ۱ و ۲ و شباهت‌ها و افتراقاتی که بر نقش پارچه و نگاره مورد نظر گفته شده چنین استنباط می‌شود که اغلب نگارگران این عصر خود طراح پارچه نیز بوده‌اند، از پارچه به عنوان بستری برای هنرنمایی خود استفاده کرده و همانند نسخ بر پارچه نقش می‌زدند.



فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- پاکباز، روئین. (۱۳۷۹)، دایره المعارف هنر(نقاشی، پیکره سازی و هنر گرافیک). تهران. فرهنگ معاصر.
 پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۷۸)، سیر و صور نقاشی ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران. انتشارات مولی.
 ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۵). لیلی و مجنون نظامی گنجه ای. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). پیرگنجه در جستجوی ناکجا آباد. تهران. سخن.
 سیمپسون، ماریانا شرو، (۱۳۸۰)، شعر و نقاشی ایرانی: هفت اورنگ سلطان ابراهیم میرزا، مترجم: عبدالعلی براتی، فرزاد کیانی. تهران. نسیم دانش.
 سیوری، راجر. (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
 شریف زاده، سید عبدالمجید. (۱۳۷۵)، تاریخ نگارگری در ایران. انتشارات تهران. حوزه هنری.
 شیخی، مژگان. (۱۳۷۴) داستان لیلی و مجنون. تهران. قدیانی.
 قهرمانی، مریم. (۱۳۹۲). ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان. تهران. ناشر - مولف.
 کریم زاده تبریزی، محمد علی. (۱۳۷۶) احوال و آثار نقاشان قدیم ایران. تهران. مستوفی.
 نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۱). کلیات خمسه نظامی. تهران. امیر کبیر.

مقالات:

- اتحاد، سوسن. (۱۳۷۹)، "سیمای نماد در نگاره‌های ایرانی". هنر. ش ۴۶. زمستان. از ۱۱۶ تا ۱۲۵.
 ثروتیان، بهروز. (۱۳۷۹)، "راز عشق لیلی و مجنون در مثنوی لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای"، هنر. زمستان. شماره ۴۶. ۱۰ تا ۲۹.
 ذکاء، یحیی. (۱۳۴۱)، "غیاث نقش بند، نقاش توانا، شاعری خوش قریحه و بافنده‌ای چیره‌دست". هنر و مردم. دوره ۱، شماره ۱ آبان.
 مرآتی، محسن (۱۳۹۵). "تحلیل کاربرد رنگ آبی در تصویر سازی شخصیت «مجنون» در نگارگری ایرانی دوره‌های تیموری و صفوی". نگره. ش ۳۷. بهار. ۴۹ - ۶۲.
 موید، حشمت. (۱۳۷۱) "در مدار نظامی. نقدی بر لیلی و مجنون نظامی". مجله /ایران شناسی، ش ۱۵، س ۴. ۵۲۸ تا ۵۴۲.

منابع تصاویر:

عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

کریولش، استوارت. (۱۳۸۴)، نقاشی ایرانی نسخه نگاره‌ها صفوی. ترجمه احمد رضا تقاء، فرهنگستان هنر. تهران.
Museum of fine Arts Boston
http://www.mfa.org/collections/search?search_api_views_fulltext=%20Safavid&page=8.1392/11/21



عنوان مقاله: بررسی تطبیقی داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهماسبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۱۹۲۸،۲، بر اساس نظریه بینامتنیت

A comparative study of Majnun image story among wild beasts of Shah Tahmasp's Khamseh (five Persian books) with textile image recorded in Boston museum, Registration number: 1928.2, based on Intertextuality theory

MohammadReza Sharif Zadeh⁴
Zahra Taghadosnejad⁵

Abstract

Story of Layla and Majnun is one of most famous literary works which has attracted all artists and made enrich their works. due to a solidarity of literature with painting, painters among these artists, revived a process of making illustrated works, which were surely transfer of poets thinking. In this regard, the literature of Shahnameh and Khamseh has a special position. Considering influence of the Safavid painters in royal workshops and effect of painting on other arts fields, including weaving, it is possible to find effects of literature on motifs of these woven fabrics.

A main purpose of this paper is to identify and study common points of literature with images and motifs of this story on textiles in Safavid era and to identify a relationship between painters and textile designers.

findings of this paper show that themes of lyric poetry are reflected in motifs of textiles and images. Because these stories have been cultural commonalities, and painters in this period have been fabric designers too, considering a comparison of Nizami poem in painting and textile-weaving.

Research purpose:

⁴ Dr. Mohammad Reza Sharif Zadeh, Associate Professor of the Faculty of Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch
Email: moh.sharifazade@iauctb.ac.ir

⁵ Zahra Taghadosnejad, The Expert in Institute of Traditional Arts, Cultural Heritage and Tourism
Email: ztaghados@yahoo.com- z.taghadosnezhad@richt.ir

1. identifying and studying common points of literature with images and motifs of this story will perform on textiles in Safavid era.
2. a relationship between painters and textile designers in the Safavid era will make clear.

Research questions:

1. what kind of a relationship is between painters and proficient designers at textile-weaving?
2. To what extent, painters and textiles designers have been loyal to literature?

Keywords: literature, Layla and Majnun, image, textiles motif, Intertextuality

